

دعا که اینقدر قدرتمند است که می تواند کل جهان گسترده می کند.

متی ۶، ۵ - ۱۵

«5 وقتی دعا می کنید مانند ریاکاران نباشید. آنان دوست دارند در کنیسه ها و گوشه های خیابانها بایستند و دعا بخوانند تا مردم آنان را ببینند. یقین بدانید که آنها اجر خود را یافته اند! هرگاه تو دعا می کنی به اندرون خانه خود برو، در را ببند و در خلوت، در حضور پدر نادیده خود دعا کن و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست، اجر تو را خواهد داد. در وقت دعا مانند بت پرستان وردهای بی معنی را تکرار نکنید، آنان گمان می کنند با تکرار زیاد، دعایشان مستجاب می شود. 8 پس مثل ایشان نباشید زیرا پدر شما احتیاجات شما را پیش از آنکه از او بخواهید می داند. 9 پس شما این طور دعا کنید:



پدر آسمانی ما، مقدس باد نام تو. ملکوت تو بیاید. اراده تو همچنان که در آسمان است در زمین نیز انجام گردد. نان روزانه ما را امروز به ما بده. گناهان ما را ببخش همان طور که ما گناهان دیگران را می بخشیم. ما را به وسوسه نیاور، بلکه ما را از شریر رهایی بده. زیرا ملکوت و قدرت و جلال از آن توست تا ابد. آمین.

«14 چون اگر شما خطاهای دیگران را ببخشید پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد بخشید. 15. اما اگر شما مردم را نبخشید پدر آسمانی شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

فردوسی یکی از مشهورترین شاعران فارسی در تمام زمان است. علاقه بزرگ او فرهنگ فارسی و دوباره احیاء کردن آن بود و این مسئله برایش مشکلاتی رو به همراه می آورد. بنابراین او مثل شاعران و متفکران قبل از خودش به دانش بخصوصی فکر می کرد تا بتواند با حاکم اسلامی آن زمان هم کنار بیاید. این ساده به نظر می رسید آدم می بایست می رفت خانه پادشاه و برای او کار می کرد و شعرهای مدحی در وصف او می گفت و باید به او گوش می کرد. فردوسی اینطور توانست موفق به انجام این کار بشود. او اینطور شاهنامه را بر گرفته از یک داستان کلی فارسی و به دور از تاثیر اسلام نوشت. مثل فردوسی که آن کار رو توانست با شاه محمود انجام بده آدم می تواند این کار رو در نظر بگیرد. به این معنی نیست که آدم چی می داند و چی را می شناسد اما رابطه مهم است. آدم امروز با زبان المانی می گه: مثلا ویتامین ب (Beziehung) کی معنی اون را می داند (یعنی ویتامین رابطه) شاگردهای عیسی هم قبلا راجع به ویتامین ب می دانستند. آنها می توانستند مد نظر بگیرند که چطور عیسی دائما و به صورت قلبی با پدرش صحبت می کند. بجز آن آنها می توانستند همیشه ببینند که عیسی خیلی خوب با دعا کردن می توانست این ارتباط را بوجود بیاورد. بنابراین آن دریا می بایست به حرف عیسی گوش می کرد! شاید شاگردها فکر می کردند یک سیم رسانا بین او و خدا هست به طوری که آنها نمی توانستند ببینند. شاید آنها می توانستند خودشان را در ارتباط تنگاتنگ با عیسی نگه دارند. آیا برای این کار یک فرمول مذهبی یا چیزی وجود دارد بطوری که مثل عیسی قدرت خدایی داشته باشند. زمان های مشابه این قضیه برای آنها مشخص بود که آنها به تنهایی نمی توانستند به این قدرت دسترسی داشته شاید. آدم بتواند مثل فردوسی قوانین سلطنتی رو رعایت کند با این حال ما بالاخره به خدا اعتقاد داریم و به سوی او می رویم؟ شاید شاگردان عیسی هم همین فکر رو می کردند. آنها تقریبا با کنجکاوی می خواستند در مورد عیسی بدانند آدم باید چیکار کند تا با گوش دادن به خدا بتواند موفق بشود؟ آنها شاید یکبار دیگر برای همیشه روی آن راه حرکت می کردند تا احکام خدا به درستی تحقق یابد یا تقریبا اینطور بشود و آنچه عیسی از آنها خواسته بود به انجام برسد. قطعا چیزی بیشتر توانستند انجام بدهند تا به انتظار آنها برسند و قدرت خدا را داشته باشند. در جملات کوتاه عیسی به آنها گفته بود که خدا را نمی توانید در یک غالب کلی نشان بدهید نه با کلمات و نه با بسیاری دعاها مثل نماز، چون خدا به هر حال که به نظر می رسد در قلب آدمها نگاه می کند. حرفهای مثل یک چاقو در قلب بودند. وای بر من چون خدا می تواند دست من را به آسانی بخواند و از دل من با خبر هست. وای بر من اگر تمام رفتار و اعمال من در نظر مردم خوب است اما به سادگی برای خدا روی میز است و از نیت این کارها خبر دارد. این اعمال از نظر قلبی مهم هستند نه چیز دیگر. با این دلیل در های آسمان بسته می شود.

اما عیسی ما را روی زمین نمی گذارد. او همچنین ما در اتاق بی‌خدایان ما تنها نمی گذارد. برعکس: عیسی فقط می خواهد رابطه با خدا برقرار کند. به همین دلیل است که او آسمان را باز می کند و به ما یاد می دهد که دعا کنیم: پدر ما! ما باید مستقیماً با خدا در ارتباط باشیم مثل ارتباط فرزند با پدر که او را صدا می زند. تا به امروز کل مسیحیت همینطور دعا می کردند دعای «پدر آسمانی ما» رو در یکشنبه ها در منزل و زمانهای بیماری و حتی در زمان مرگ فراموش نکنیم. اجتماع ما برای ما این دعا رو می کند و ادم می تواند بپرسد: که چطور مسحیت و کلیسا و تو و من می توانیم مستقیماً با خدا حرف بزنیم؟ اصلاً خدا باید با زندگی زمینی ما و مرگ ما کار داشته باشه؟ قران می گه: انسان و خدا دو قطب مخالف هستند و کاملاً به هم متعلق نیستند. دلیل های مختلفی است که خدا نباید پیش ما باشد. گناهکاران روی زمین هستند زمینی که من روش زندگی می کنم انسانها خیلی کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم در یک جمله با خدا یکی بشویم. خدا به من می گه پیام و یکی از خانوادش بشوم و این باعث یک نقطه عطف در زندگی من باشد که به همین ترتیب دعا صدق می کند. در این قضیه عیسی بعد از دعای پدر آسمانی ما رو به آسمان هدایت می کند و گفت نام تو مقدس باد. لوتر حرف خوبی در این باره گفته: "خدا به خودی خود مقدس هست ولی با این دعا نام او پیش ما مقدس می شود و کلامش می آید و ما خواهش می کنیم با این دعا او به سمت ما بیاید." این دعا که عیسی به ما یاد داد آیا تا حدی بزرگتر برای ما نیست؟ نه وقتی عیسی ما را به اینطور دعا کردن تشویق می کند منظورش یک ملکوت خدایی دور نیست بلکه ما اجازه داریم اینجا او را صدا کنیم تا او به سمت ما بیاید. در واقع ملکوت خدا و قدرتش با ما مردم گناهکار قابل مقایسه نیست ما اجازه نداریم به هیچ وجه نزدیک به خدا و قدرتش بشویم باید مثل موسوی در بیابان از خجالت صورت خود را پنهان کنیم. ولی همه چی از طریق دعای پدر آسمانی فرق می کند. ملکوت خدا در بین ماست ما اجازه داریم برای آن دعا کنیم و خدا شخصاً به سمت ما میاد! نه که خدا به آسانی آدم های گناهکار رو اصلاح کنه! و نه اینکه او در برخی راه ها تقدس کمتری قرار داده! این هم نه که ما مردم یکباره خداشناس خواهیم بود! خود عیسی به تنهایی با صدای بلند آمدن ملکوت خدا را وعده می دهد. ملکوت او در میان ماست او درباره جهان قبلی خجالت زده نیست و همچنین درباره اینکه در میان گناهکاران بخورد و زندگی کند. و ترس ندارد که روی صلیب تمام گناهان ما را به دوش بکشد چون همه چیز همین طور است: اول ما اجازه داریم دعا کنیم که ملکوت خدا در میان ماست. اگر ما اینطور دعا کنیم چه بسا ما اجازه داریم بدونیم که ملکوت خدا آماده است و از طریق مرگ روی صلیب پادشاهی او در میان ماست. از طریق صلیب ارتباط من با عیسی برقرار می شود و روح القدس در من جاری می شود. من می دانم دعا همیشه آن طور که به نظر می رسد آسان نیست گاهی دعا مثل یک کوه بلند است که نمی توان از آن بالا رفت. سؤال شاگرد عیسی: چطور دعا کردن رو خداوندا به ما یاد بده " برای عیسی ضعف انسانی یک عامل بازدارنده نیست او می داند که او دقیقاً برای چنین افرادی آمده است بنابراین او به شاگردانش در جواب گفت: دعای پدر آسمانی را بخوانند. چون عیسی گفته همان هم خواهد شد... آمین